

توجه به نارضایتی‌ها و اختلافات موجود در جامعه، تجاوزات آن‌ها به مراکز نظامی و ساختمان‌های دولتی با واکنش منفی مردم همراه نخواهد شد. آن زمان صهیونیست‌ها این امکان را دارند که برنامه تضعیف و تجزیه ایران را اجرایی کنند. اما برخلاف تصور، تجاوز یک دشمن خارجی احساسی خفته را در مردم ایران زنده کرده، آن‌ها را به جوش و خروش واداشت و شکاف میان دولت و ملت را به حداقل رساند. حضور مردم در شتیب شهیدی تجاوه جامعه صهیونیست‌ها، نمودی این را پروژه شکست‌خورده انقلاب ایرانی بود. همراهی مسرمایه اجتماعی جامعه ایرانی، جدای از ضربات کاری به صهیونیست‌ها، نقشی کلیدی در عقب‌نشینی متجاوز و تقاضای آتش‌بس داشت. اما این واقعیت را نباید فراموش کرد که در موقعیت توقف جنگ، دشمنان در عین اینکه برای تهیه و تقویت توان نظامی خود تلاش می‌کنند، جنگ روانی علیه ما را نیز راه نروند. در این اساس، پروژه ایجاد انفجار و بی‌ثباتی در جامعه ایرانی تمام پا را نهد شده است. دشمن صهیونیستی تمام قوا را برای ایجاد و تقویت شکاف‌های اجتماعی و سطح کلان آن در سطح دولت و ملت انجام خواهد داد تا بتواند قدرت برتر را در منطقه به دست بیاورد. راه مقابله با این پروژه طراحی شده، حفظ فضای مبدلی و همبستگی ایجاد شده در جامعه و برخورد جدی با صدهاها و اظهاراتی است که به هر طریق به شکاف‌ها و اختلافات ایجاد شده در جامعه دوز می‌زند. بهتر آن است که قاص ثبت شده در تشیع فرماندهان ایرانی در دوز ششبه تا کار نماز خمسه خشم و نصر و شیب سردار سلیمانی را در کنار نماز تکبیر که اوعیت جابجایی در بحران‌های خیزش حوادث خود را نشان می‌دهد و باید همین تصویر را حفظ کرد.

شهادت‌آمده بودند، چهره‌های زیادی در قاب تصویر رسانه‌ها ثبت شدند که آمدنشان با وجود خط‌کشی‌ها و اختلاف سلیقه‌های سیاسی، سندی بود برای آنکه نشان دهد جامعه ایرانی در تمام سطوح در منسجم‌ترین شکل خود قرار دارد. حسام الدین آشنا، محمد جواد آذری جهرمی، محمد جواد ظریف، ناطق نوری، سعید جلیلی، محمود واعظی، علی شمخانی، محمد باقر قالیباف، سردار قاتانی، محمود اژه‌ای، عباس آخوندی، عباس علی‌آبادی، آذر منصوری و محمد مخبر، مسعود پزیشیان، برخی از چهره‌های بودند که روز گذشته دوریز رسانه‌ها حضور آن‌ها را ثبت کرد. در این بین، یونسکرماندگار تشیع دیوریز را عباس عسغری، وزیر خارجه ایران، ثبت کرد. لحظه عبور از کنار پاسداری با لباس سبز در حالی که دستش در دست او بود، تبدیل به نمادی از همراهی میدان و دیپلماسی شد، نمایشی دیگر از همبستگی و همراهی در سطح کلان آن. وجود این کثرت و هم‌دلی در گستره وسیع‌تر، در سطح اجتماعی نیز در تشیع شده و مردمی که در تجاوز صهیونیست‌ها به شهادت رسیدند، قابل مشاهده بود. چهره‌هایی که در شرایط عادی و بر مبنای ظاهرشان در خط‌کشی و تقسیم‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گرفتند، روز گذشته برای تشیع همین فرماندهان ایرانی آمده بودند. در میان آن‌ها شاید افرادی هم بودند که عزیزان و بستگانی از آن‌ها نیز در این تجاوز آشکار به شهادت رسیده بودند. حالا آن‌ها برای آمدن و ایستادن کنار هم‌وطنانشان دلائل زیادی داشتند.

به این قاب دست نزنید

صهیونیست‌ها برنامه‌ریزی تجاوز به ایران را با این محورها پیش بردند که با

قابی مشترک برای وطن

در دو هفته گذشته، کارشناسان و تحلیلگران بارها در مورد همدلی و همبستگی ایجاد شده در جامعه تحلیل کردند. یک نکته مشترک در تمام تحلیل ها که نمود عینی آن هم در جامعه مشخص است، این بود که تجاوز خارجی و تعرض به استقلال ملی، موضوعی نیست که ایرانیان مقابل آن کوتاه بیایند. آن ها حتی بزرگترین ریزش و عمیق ترین اختلافات داخلی شان را در قبال مستجاوز کنار می گذارند. حالا اگر این راه، فرامندان و سربازان ایرانی مشترک باشد، دیگر خشکی های موهومی که رسانه های فارسی زبان صهیونیستی ایجاد کرده اند، رنگ می یازد. چرا که اصل ماجرا ایران است و همین سربازان و فرماندهان در خط مقدم مبارزه با مستجاوزان قرار دارند. همان قدر که ترویر سرداری مثل حاج قاسم سلیمانی در یک نگاه تمام ایرانیان برای وطن و امنیت آن می جنگید و می ایستاد، مردم را به جوش و خروش آورد و تمام ایرانیان با گرایشات مختلف برای تشییع به خیابان های تهران آمدند، روز شنبه پیکر چن د تن از همین سردارها که به دست رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده بودند، در میان جمعیت همان مردمی تشییع شد که با همین شکوه سردار رزگشان را تشییع کردند. بیروز برای دشمن باز، تهران نمادی از همبستگی و همدلی را به نمایش گذاشت.

نمایش تکثر اجتماعی

فرهنگی‌تان

دختر بچه کوچکی که لباس مشکی به تن دارد، نوری بگل پدرش، هر از گاهی صدا بلند می‌کند و مرگ برگ بر آمریکایی می‌گوید، مردم همراهی‌اش می‌کنند. دختر بچه، که خسته می‌شود، پرمرمزی از میان جمعیت، پیشران جمعیت می‌شود، شعار می‌دهد و مردم هم پشت سرش تکرار می‌کنند. آن طرف‌تر دختر جوانی که تازه پیشت لیش سبز شده، از میان جمعیت شعار می‌دهد و باز هم مردم، همراهی‌اش می‌کنند. واقعیت آن‌است که در تمام طول تاریخ و در این چهل و چند سال، در بحران‌ها و حوادث، پرچم همین طور بالا مانده است. این صحنه‌ها برای مردم ایران تازگی ندارد؛ زن و شوهر جوانی که با کوک خردسالشان آمده بودند و شعار دادن را به آن‌ها یاد می‌دادند. پرمرم و پرزنی که با همان روحیه انقلابی سال ۵۷ حالا برای تشییع فرماندهان ایرانی آمده بودند. مشابه این سوگ جمعی را با مختصات خاص خود، فقط می‌توان در این نقطه از غرب آسیا پیدا کرد، سوگی که رخوت نوردی، بلکه سوگی حماسی است که از اصفهان‌انسان‌ها را از درون و بیرون برمی‌انگیزد. بعد از دو هفته درگیری با رژیم صهیونیستی، ایرانیان فرماندهانشان را با نمایش یک شکوه جمعی و با عزت و افتخار تشییع کردند. جدای از آنکه خنای صهیونیست‌ها برای شان رنگی نداشت که «ما با مردم ایران کار نداریم»، اما واقعیت آن‌است که دعوا دقیقاً سر همین ایران است. نقطه مشترک افرادی که در تشییع دیروز آمده بودند، داشتن یک «دشمن مشترک» و یک «مای مشترک» بود. آن مای مشترک ایران است و آن دشمن مشترک هم رژیم صهیونیستی و حامی جدی‌اش.

کمیل قیدرلو در گفت و گو با «فرهیختگان»:

برای جلوگیری از بازتعریف اختلافات باید ساختارهای جدیدی شکل دهیم

جنگ تقریباً ده هفتگی با رژیم صهیونیستی در افکار عمومی و اجتماعی
تکان عجیبی ایجاد کرد. مردم به وضوح احساس کردند که تمامیات ارضی
و وطن آن‌ها فراغ از اختلافات آن‌ها مورد تعرض قرار گرفته است و همین
هم منجر شد که همدلی و همگرایی در جامعه، نمودی عینی و واضح تر
داشته باشد، شکاف‌های اجتماعی به کمترین حد خود برسد و تشییع
فرماندهان ایرانی با حضور جمعیت انبوه مردم از سلاطین مختلف وجود
ایم همبستگی را اثبات کرد؛ اما نکته مهم تر حفظ این همبستگی و همدلی
اجتماعی است. در گفت‌وگو با کامیل قیدرلو، جامعه‌شناس بهر سرسی
بایدها و نیاید‌ها لازم برای حفظ این همبستگی و همدلی اجتماعی
پرداختیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

روز گذشته با دیگر تصویری از همدلی و همبستگی اجتماعی یادگار شد، در دو هفته گذشته بارها به این موضوع اشاره شد که در جامعه همدلی ایجاد شده و شکاف‌های اجتماعی در مرز ترمیم قرار دارند، اما سؤال اصلی این است که لازمه حفظ این همدلی ایجاد شده در جامعه چیست؟

روابطی که پایک‌دیگر برقرار می‌کنند. اگر به این دوگانه تحلیلی توجه کنیم، این نکته مهم می‌شود که در شرایط کنونی تا معایناتی را در سطح عاملیت داشتیم که افراد تلاش کردند با یک نگاه جدید و پدیدهای که تصور نمی‌کردند رخ دهد، مواجه شدند، یک خود آگاهی را برای خود تعریف کردند و آن را بر مبنای این تغییر باز تعریف کردند. نکته این است که بعد از آنکه آن شرایط ویژه بر طرف می‌شود، آن آگاهی ابتدا و تا مدتی باقی می‌ماند؛ اما ساختارهای اجتماعی ما، کنش‌های گذشته را ایجاد می‌کنند. یعنی اگر جامعه‌ها را هک کنیم، درست است که افراد، آگاهی جدیدی کسب کردند، که گذشت و یکی بودن جدید و یکی بودن با دیگری را تعریف می‌کردند، اما آن روابط و ساختارهای پیشین که آن گسست‌ها را ایجاد می‌کرد که بر طرف نشده است، آن‌ها همچنان

و اگر نسبت به آن زاویه ای داریم، باید در نظام بینینی و گفتگو و نگاشت ریجی و تبلیغی و هنر و خلاقیت تلاش وارد مردم جامعه باید به جمع بندی جدیدی برسند تا زمانی که به این نقطه نرسیدیم، باید بپذیریم که باید با یک ساز و کار معروف متعارف پیروم و اگر غیر از این می خواهیم باید کشف فعالانه ای انجام دهیم تا آن عرف را با تغییر معنایی که مطلوب است، تغییر دهیم و آن زمان را برای منیای مطالبه خودمان قرار بدهیم و اگر نه زمان، باید منیای آن ترجمه می شود و جامعه می فهمد، بنای پذیرش یکدیگر را داشته باشد، حاکمیت و مجلس و جامعه و تمام کسانی که قرار است، کنشی انجام دهند باید این فهم را داشته باشند. نباید به سمت نقاط اختلافی پیروم و دعوی رقابتی در میدان انجام دهیم. سطح دو این است که جامعه را با کار بگیریم؛ در سه های اول انقلاب، مساجد، سند روحیه، بسیج و کشتی اجتماعی بودند و هر قدر آن حضور داشتند، هر کس در نظر فقه کاری انجام می داد، باید با علامه به ساز و کار کفای داشتیم و همه در آن تعریف می شدند، برگردیم و باید این ساز و کار احیاء شود.

مقاوت و متمایز بودن توجه به یکدیگر فعالیت می کنند، اما سازه‌های محله، خانه‌های فرهنگ، شکل، اما مساجد، جهادش و بسیج را داریم؛ اما با همه این‌ها ما پوشش دهندگان محلات به فعالیت جدیدی از ادوار مرحله دیگر،

کنند، داریم. در همین دوره، خانه خالی این کش و مدیریت اجتماعی و امنیت جامعه محور یا یک پیک نظامی و نظارت و خدمات را در محلات به نحوی ما می‌دهیم که ارکان را زیر نگاه جامعه و محلات بتواند، برای خودشان نقش ایفا کنند، وجود داشت. مهم‌ترین آن در حوزه امنیت بودند، بعد حوزه نظارت بر ارائه خدمات بود، بعد از آن ارائه خدمات بود در این لایه‌ها محلات می‌توانست، سامانی پیدا کنند، اما مسیر تعریف شده‌ای برای آن وجود نداشت. نباید فراموش کنیم که تجربه خوبی در زمان کرد و نداشتیم که یک سازماندهی اجتماعی و ما مواجه با حل مسئله کردیم که چرا می‌دهیم، پای این مسئله آمدند و نقش را ایفا کردند. اما بعد این ساختار را زیر و رو می‌کنیم مسئله این است که ما باید پس از این به سمت پوشش دادن ظرفیت‌های بالقوه و

وجود دارند و تفرقه، دیویت و خلدیت و یا همان دوگانگی را که تقابل ایجاد می‌کند و زمینه تولید آن را فراهم می‌کند، همچنان مستعد آن تقابل است. این خودآگاهی است که در دوسوی جامعه که سالیان و نگاه‌های مختلفی دارند می‌نظفون و حاکمیت که در لایه‌های مختلف آن رانماپدگی می‌کند، فاذا بیدار می‌شود به این نتیجه‌گیری که در دوسوی‌ها در ساختار ش مجلد به حرکت نیفتد، بلکه از مسیر آگاهی جدیدی که در مواجهه با شرایط جدید در جامعه ایجاد شده، پیش برود. ایجاد کردن این شرایط، کار کوچکی نیست و سخت است، اما اگر بدانیتم و بخواهم، مسیرهای آن قابل فهم است و مسیرهای ضد آن هم قابل شناسایی و قابل فهم است. ولی آن تصمیم خاصی است که برای انجام آن باید کارهای ویژه‌ای انجام داد، اگر هاکمیت، به حالت قبل برمی‌گردد بر مبنای قواعد طبیعی رفتاری می‌شود، به گذشته‌بر می‌گردد و دوباره همان اختلافات باز تولید می‌شود. برای جلوگیری از وقوع این اتفاق، باید ساختارهای جدیدتری شکل داد و در مواجهه با آن رفتار تعریف کرد.

با توجه به اینکه در وضعیت توقف جنگ قرار داریم، این همدلی ایجاد شده چقدر این کارکرد را دارد که برای ترمیم شکاف‌های اجتماعی از آن استفاده کنیم؟

تجربه شده است، البته در مواردی مصادیقی وجود داشته اما ترکیب این مسائل برای جامعه و سیاستگذاران و علوم اجتماعی خواننده‌های ما، جدید است و چندان پرتجربه نیستیم. در نگاه این موضوع، دو سطح قابل تحلیل است. یک سطح کنش ناظر به آگاهی افراد است. اینکه در سطح عرف جامعه خود نسبت به یکدیگر دانشی داشته باشیم. این دانش ما، باید متناسب با فهمی باشد که ما آن را مبنا و معیار زیست خود قرار داده است. عرف و فهم و مبانی ما در جامعه ایرانی در آنجا باید با یکدیگر گفتگو کنیم تا به فهم مشترک برسیم اما فعلاً آن عرف و مبانی متعارضی که در جامعه ما وجود دارد یا معرفی که عرف است و در جامعه شناخته شده است را باید منقار کنیم.

به یک ماه تا از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و در صورتی که در این مهلت اقدامات مثبت موکول به محکمات دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا با معترض به دادگاه مباردت به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مباردت به صدور سند مالکیت و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تشنار نویت اول: ۱۳/۰۳/۱۴۰۴ - تاریخ انتشار دوم: ۰۸/۰۴/۱۴۰۴

میم الف: ۱۹۴۹۳۹۹ - حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

بی، ملکی در شادگان یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی در ۱۳۵۳، به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی به موجب این آگهی در دوشنبه فاصله ۱۵ روز از روز پوزنامه شهر هاشم‌شهر روستاها، برای هیات‌التصاعد با صورتی که اشخاص ذینفع متراض داشته باشند تا تاریخ ۱۳ اردیبهشت انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق اوراق متراض خود به اداره محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۴۰ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۳ و ۴۰ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح آمل آگهی می گردد:
املاک متقاضیان واقع در بخش آمل - دهستان لیکو- ۵۴- (اولی قریه میازود)



 شرکت‌کننده در مزایده به صورت نقدی به شماره حساب سیبا ۰۱۰۸۲۹۳۴۵۳۰۰۴ بانک ملی ایران در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه واریز گردد. همچنین قیمت پایه مزایده (مبلغ اجاره) مبلغ ۹۰۷۹۲۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

۱. ساوه - بلوار شهید بهشتی - بلوار شهید فهمیده - کیلومتر ۴ جاده بیکی - شهرک دانشگاهی خاتم الانبیاء - تدارکات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه - تلفن تماس آقای غلامی: ۰۸۶ - ۴۲۴۳۳۰۴۱ و ۰۸۶ - ۴۲۴۳۳۰۲۰ عمرانی واحد آقای مهندس مرادی

دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات کاملاً مختار بوده و درج آگهی بر عهده نفر برنده مزایده می‌باشد.

آگهی مزایده

[illegible]

ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.



سنامه پایان دوره گردانی در رشته مهندسی برق اینجانب عباس
حسانی فرزند احمد با شماره ملی ۳۰۳۳۵۰۴ صادره از
کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

رشته‌شناسی سیدمهدیه اسحاقی فرزند سیدحسن دارای شناسنامه
اره ۰۰۱۷۶۱۸۸۲۷ صادره تهران رشته عمران صادره از دانشگاه
می واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا
خواهیم نمود که مقرر به آدرس: استان مرکزی - ساوه - ۴ کیلومتر جاده
ک - شهرک دانشگاهی خاتم الانبیاء (ص) دانشگاه آزاد اسلامی

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN @fbtwe

مدرسه عالی مهارتی
رسانه ای فرهیختگان

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵



Farhikhteghan_school

مجری انحصاری تبلیغات
دانشگاه آزاد اسلامی

كانون تبليغاتي
سيهر
جوان
 ۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹